

چرا اعزاز و خاکسپاری امیر حبیب الله کلکانی؟

محمد اکرام اندیشمند

- چند نکته در مورد اعزاز و خاکسپاری امیر حبیب الله کلکانی قابل تذکر و توجه است:
- الف: - خاکسپاری و اعزاز امیر حبیب الله کلکانی برای این نیست که او بر ضد شاه امان الله خان و اصلاحات او جنگید و او را از سلطنت خلع کرد. قبل از حبیب الله کلکانی طبل دشمنی با امان الله خان و برنامه های او از میان قبایل جنوبی و مشرقی و سران این قبایل و همچنان خانواده مجددی و شماری از عالمان دینی در کابل به صدا در آمد و شمشیر بغاوت علیه شاه امان الله را آن ها از نیام کشیدند:
- 1- اولین شورش مسلحانه در اوایل سال 1924 میلادی در جنوب از سوی قبایل منگل بوقوع پیوست، سپس قبایل دیگر چون احمدزایی، جاجی و سلیمان خیل نیز سر به شورش برداشتند. این شورش تا شروع سال بعدی دوام یافت. امان الله خان، شورشیان را پس از جنگ های که دامنه آن تا غزنی و لوگر کشانیده شد، در هم شکست و با دستگیری و اعدام تعدادی از آنها در می 1925، این بغاوت را فرونشاند. امان الله خان دلایل اعدام شورشیان را در سخنانی که خطاب به آنها ایراد کرد بر شمرد و خطاب به محکومین گفت:
- « شما افغان های اصیل هستید. مرا ببخشید اگر به خشونت و شدت با شما اتباع افغانستان و فرزندان خود پیشآمد می کنم. مگر شما بعد از این اولاد من نیستید؛ زیرا که شما، بر علیه من، بغاوت کردید. شما، بر اعمال مخلصانه من، انگشت اعتراض گذاشتید. آنها از این قرار اند :
- من، مکاتب تأسیس کردم. آیا شما، فکر میکنید که این مکاتب را برای خود باز کرده ام؟ من آنها را محض برای اطفال شما گشوده ام. شما خواستید که مکاتب جدید التأسیس دختران را بسته کنم، چنان کردم. اکنون علمای تمام دنیا به من نوشته اند که مکاتب برای دختران یک امر حیاتی و ضروری است.
- من پروژه آبیاری را روی دست گرفته ام. این کار را هم برای خود نکرده ام بلکه برای شما و فرزندان شما کرده ام. شما بر من، حکم قادیانی کردید، من قادیانی نیستم. شما گفتید که قوانین جدید من، مخالف قرآن کریم است. من از شما خواهش کردم تا نزد من بیایید و در این موضوع با هم بحث و مذاکره کنیم، مگر شما نیامدید. در عوض دنبال شخص ماجرا جوی و دهشت افکن چون عبدالکریم رفتید. شما بر علیه من برخاستید و بغی کردید. شما باعث قتل یک تعداد زیاد عساکر و اولاد من شده اید بنا بر آن نمی توانم شما را عفو کنم. پس شما باید کشته شوید.»
- 2- دومین شورش علیه شاه امان الله و اصلاحات وی از سال 1927 آغاز یافت. پس از سفر اروپایی شاه در 1928 و پس از تدویر لویه جرگه پغمان، محمدصادق مجددی و برادر زاده اش محمدمعصوم مجددی با جمعی از ملاهای همفکر خویش برای ایجاد شورش علیه شاه به جنوب رفتند. هر چند آنها در این شورش ناکام ماندند و تعدادی از شورشگران زندانی و اعدام شدند.
- 3- سومین شورش در مشرقی از میان قبیله شینوار بر خاست. سردسته شورشیان مشرقی محمد علم خان شینواری و محمد افضل خان بودند که به شهر جلال آباد حمله کردند و قنسلگری بریتانیا و قصر سراج العمارت را به آتش کشیدند.
- 4- چهارمین شورش که در واقع ادامه شورش مشرقی بود در تگاب آغاز یافت که این شورش را علیه شاه امان الله و حکومت او، آخذزاده تگاب که قبلاً از سوی شاه لقب "فخر المشایخ" را گرفته بود رهبری میکرد.
- 5- پنجمین شورش علیه شاه و در امتداد شورش تگاب به کوهستان و کوهدامن تعمیم یافت و رهبری این شورش ها به دست حبیب الله کلکانی افتید. این در حالی بود که حبیب الله کلکانی در شورش های نخست، از سربازان قطعه نمونه در سلطنت امان الله خان بود و برای تحکیم پایه های سلطنت دولت امان الله خان می جنگید. اما سپس به اثر اشتباهات شاه امان الله و اطرافیانش که در کتاب عیاری از خراسان اثر استاد خلیل الله خلیلی توضیح شده است، حبیب الله کلکانی بر ضد سلطنت وی دست به شورش زد. او که در شمال پایتخت و از تمام قبایل و دسته های شورشی دیگر به پایتخت نزدیک بود با استفاده از اوضاع بی ثبات در کشور به پایتخت حمله کرد و به روز پانزدهم جنوری 1929 در باغ مهمانخانه هواداران و لشکریانش او را به عنوان امیر حبیب الله خادم دین رسو الله پادشاه اعلان کردند.

ب: - خاکسپاری و اعزاز امیر حبیب الله کلکانی در جهت تایید و همنوایی با خیانت، بغاوت، دزدی و قطاع الطریقی نیست که در تاریخ دروغین و تحریف شده رسمی و سرکاری از او چنین تصویری ارائه می شود. زیرا؛ امیر حبیب الله کلکانی در پای هیچ سندی که حکایت از خیانت ملی داشته باشد، امضاء نکرده است: او، نه امضاء کننده معاهده لاهور با انگلیس و رنجیت سینگ در 1838 است، نه امضا کننده معاهده دوستانه قندهار در 1839، نه امضاء کننده معاهدات اول جمروود و دوم جمروود در 1855 و 1857، نه امضاء کننده معاهده گندمک در 1879، نه از دیورند در 1893 و، و نه شاهد و سندی در مورد غدر و عهد شکنی اش وجود دارد.

حبیب الله کلکانی هیچگاه و هرگز دست نشانده انگلیس ها و روس ها دو قدرت استعماری رقیب در منطقه نبود. با هیچ یک از مامورین این دو دستگاه استعماری زد و بند و تعهدی نداشت. بر خلاف این تبلیغ دروغین و تهمت سخیف که شماری او را دست نشانده انگلیس ها می دانند، سلطنت او با کمک نظامی مالی انگلیس ها به نادر خان و برادرانش سقوط داده شد. این مورد را پروفیسور لودیک آدمک از پژوهشگران افغانستان شناس امریکایی در اثر خود کتاب: روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست، به خوبی توضیح می دهد.

ج: - خاکسپاری و اعزاز امیر حبیب الله کلکانی، حرمت نهادن و عزت گذاشتن به مظلومان و مظلومیتی است که قربانی غدر و بیداد شده اند. واکنشی در برابر عهدشکنی، تحقیر، تبعیض، بیداد، تمامیت خواهی و نابرابری های فزاینده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تکریم عدالت و احیای صداقت و پاکدلی است که با تیغ دروغ و نیرنگ بریده شده اند.

این نکته را نباید فراموش کرد که تنها امیر حبیب الله کلکانی قربانی عهد شکنی و تزویر آن سوگند خواران و عهد شکنانی نشد که قرآن را برای او، دام تزویر و حلقه دار ساختند، بلکه شاه امان الله نیز یکی از قربانیان این دروغ گویان و عهد شکنان تاریخ بود. این همه نزاع خونین و عهد شکنی را برای اعاده سلطنت امان الله خان عنوان می کردند، اما وقتی حیلها و خدعه ها کارگر شد و زمینه برای سلطنت امان الله خان اعاده گردید، همان تیغ غدر و خیانت گلوی شاه امان الله خان را نیز گرفت و برخی از یاران دولتش چون محمد ولی خان دروازی را به قتلگاه برد.

خاک سپاری و اعزاز امیر حبیب الله کلکانی، اصلاح و تصحیح تحریف و دروغ تاریخ سرکاری و رسمی افغانستان است. این خاکسپاری هیچ چیزی را خدشه دار نمی کند؛ نه وحدت ملی را، نه عدالت را و نه امنیت و ثبات را. و بر عکس، این خاکسپاری، بروی بی عدالتی و بی انصافی، بروی غدر و نفاق ملی، بروی آن همه بیداد، غارتگری و کشتاری که در جغرافیای مشخصی، سال ها ادامه یافت، خاک می پاشد.